



تکاپو و ترفند برای نهمین دوره‌ی

ریاست جمهوری اسلامی

چند ماهی به نمایش انتخاباتی ریاست جمهوری نمانده است و جناح‌های جمهوری اسلامی دوباره به جنب‌وجوش افتاده‌اند تا بلکه بتوانند تئور آن را داغ کنند و امیدوار باشند که شمار بیشتری از رأی‌دهندگان را به پای صندوق‌ها بکشانند.

ظهور و افول توهم اصلاح پذیری جمهوری اسلامی اگر هیچ خاصیتی نداشت دست کم این واقعیت را مانند آفتاب نیمروز روشن کرد که اساساً در کشوری که ولی فقیه و نماینده‌ی خدا در زمین حکمرانی می کند، کسانی مانند رئیس‌جمهور و نماینده‌ی مجلس نه کاره‌ای هستند و نه می‌توانند سرمنشاء تغییری هر چند جزئی در جامعه باشند، زیرا در چنین محیطی نهادهایی مانند شورای نگهبان و هیئت‌های نظارت پیش از هر انتخابی از سوی مردم، عده ای از سرسپردگان به نظام را دست چین کرده و در واقع به رخدادی با مضمون انتصابی، شکل انتخابی می دهند. تازه همین انتصاب پیش انتخاباتی پایان کار نیست. بر فرض که عده ای از صافی‌های گوناگون گذر کنند، اینان اگر رئیس جمهوری شوند باید پیش از جلب اعتماد مردم، نظر ولی فقیه را جویا شوند و اگر نماینده‌ی مجلس گردند و قانونی را تصویب کنند، همان شورای نگهبان به علاوه‌ی نهاد دیگری به نام مجمع تشخیص مصلحت که مستقیم و غیرمستقیم منصوب شدگان ولی فقیه اند، حی و حاضرند تا مصوبات پارلمانی را وتو کرده و به دور اندازند. تمام این‌ها واقعیتی هستند که با دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی و تشکیل مجلس ششم شورای اسلامی به روشن ترین وجهی تجربه و آزموده شدند.

گفته های تاکنونی نمایندگان دو جناح جمهوری اسلامی نشان می‌دهند که در انتخابات دوره‌ی نهم ریاست جمهوری دو نامزد اصلی از هر جناح و چند سیاهی لشکر حضور خواهند داشت تا مضحکه تا جایی که مقدور است شکلی واقعی بگیرد. از این نظر هیچ تفاوتی بین دو جناح نیست و هر دو می خواهند تمام امکانات را به کار گیرند تا تعداد آرای که از صندوق ها به دست می آیند زیاد و برای کلیت نظام جمهوری اسلامی «مشروعیت ساز» باشند. نمایندگان دو جناح همچنین سخنی از سیاست های اقتصادی دولت آینده نمی گویند یا اگر هم می گویند بر ادامه ی سیاست های شانزده سال گذشته پای می‌فشارند که با اجرای دستورالعمل‌های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی برای خصوصی سازی ها و نابودی ابتدائی ترین حقوق کارگران

فقر مطلق و آمارهای ضد و نقیض رژیم

دشوارترین کار هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف است و در کشور ما از همه سخت‌تر."

امسال در پی افزایش روز افزون مرگ این انسان‌های فقیر و خانه به دوش و فشار افکار عمومی، رئیس جمهور حکومت اسلامی، وزیر رفاه و تامین اجتماعی خود را مامور ساماندهی کارتن خواب‌ها کرده است. مطابق رویه معمول و مرسوم در حکومت اسلامی، ستادی از نمونه ستادهای نمایشی که تاکنون در پی حاد شدن هر مسئله اجتماعی تشکیل شده است، ایجاد گردید. معاون برنامه‌ریزی وزارت رفاه در پی اعلام این خبر، وعده داد که این وزارتخانه به زودی طرح خود را به دولت ارائه خواهد داد. یکی دیگر از معاونین این وزارتخانه نیز خبر داد که به زودی ۳ یا ۴ مرکز برای جمع آوری بی خانمان‌های تهران اختصاص خواهد یافت. با این همه واقعیت این است که اگر از صفحه ۳

با فرارسیدن فصل زمستان و افزایش مرگ و میر در میان انسان‌های فقیر و خانه به دوش، روزنامه‌های وابسته به رژیم، همه روزه در صفحه حوادث خود، خبر از مرگ انسانهایی منتشر می کنند که به ویژه در شهرهای بزرگ نظیر تهران از سرما جان می دهند. گزارش‌های رسمی حاکی است که در طول یک ماه گذشته حدود صد تن از کارتن خواب‌های تهران از سرما جان داده‌اند.

انتشار این اخبار به روال سال‌های گذشته، همراه است با گزارشاتی از تماس خبرنگاران با چندین ارگان و نهاد حکومتی که هر یک وظیفه اسکان شبانه‌خانه به دوشان موسوم به کارتن خواب را بر عهده دیگری قرار می دهد و دست آخر این که مرگ این انسان‌ها نتیجه عدم هم‌آهنگی میان دستگاه‌های ذی ربط اعلام می شود. در این مورد، رئیس شورای اسلامی شهر تهران در پاسخ به خبرنگاران گفت "در کار ساماندهی و جمع آوری کارتن خواب‌ها

محکومیت رژیم در مجامع بین المللی در صفحه ۷

ایران خودرو؛ الگو و اشتها

بالای فشارها و تضییقات بی انتهای است که بر کارگران این شرکت تحمیل شده است. متجاوز از ۳۴۰۰۰ کارگر ایران خودرو، امروز نه تحت مسئولیت و زیر نظر یک شرکت واحد به نام ایران خودرو، بلکه به صورت بخش‌ها و قطعات مجزا از هم و توسط بیش از یکصد شرکت پیمانکاری ریز و درشت اداره می شود. شرکت‌هایی که هیچ تعهد و مسئولیتی رادر قبال کارگران، در هیچ زمینه‌ای، نه در مورد شرایط کار، نه آینده شغلی کارگران، نه بیمه بیکاری و بازنشستگی و امثال آن رانمی پذیرند. استخدام موقت، قرارداد سفید امضاء، تشدید و تحمیل بی حد و اندازه فشار کار، اضافه کاری‌های اجباری و اجبار به کار در روزهای تعطیل و در یک کلام استثمار خشن و وحشیانه، یگانه نرم شرکت‌های

سابقه مبارزاتی در شرکت ایران خودرو (ایران ناسیونال سابق) اگر چه بسیار طولانی است و به قبل از روی کار آمدن جمهوری اسلامی برمی گردد، معه‌ذا نام شرکت ایران خودرو دست کم در سه سال اخیر، از جهات متفاوتی برسر زبان‌ها افتاده و به نامی آشنا در جنبش کارگری ایران تبدیل شده است. یک جنبه‌ی اشتها ایران خودرو متأسفانه درجه

در این شماره

- ۲ اخباری از ایران
- ۴ اخبار کارگری جهان
- خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها
- ۵ و بیانیه‌های سازمان

تکاپو و ترفند برای نهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی

اخباری از ایران

اعتصاب کارگران صندوق نسوز خرم

کارگران کارخانه صندوق نسوز خرم، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و نداشتن کفش و لوازم ایمنی، روز دوشنبه ۳۰ آذر دست از کار کشیدند و خواستار احقاق حقوق خود شدند. مدیریت شرکت که پس از یک بازرسی از این کارخانه، قول داده بود لباس و کفش ایمنی برای کارگران تهیه کند، نه فقط این لوازم را تامین نکرده است، بلکه دستمزد کارگران را نیز نپرداخته است.

اعتصاب ۲۵ روزه در «تخ طلای خمین»

در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد، کارگران کارخانه «تخ طلای خمین» اعتصاب طولانی مدتی را از اوائل آذرماه آغاز کرده اند. بنا به گزارش ایسنا، در بیست و چهارمین روز اعتصاب کارگران، مدیر عامل کارخانه وعده داد که در آینده حقوق کارگران پرداخت خواهد شد و از آنان خواست به اعتصاب خود پایان دهند. اما کارگران که به حرف مدیر عامل اعتمادی ندارند، از رفتن به سر کار خودداری کردند و گفتند تا دستمزدهای معوقه خود را دریافت نکنند، دست از اعتصاب نخواهند کشید.

اعتصاب در ماشین سازی اراک

بیش از ۳۰۰ تن از کارگران کارخانه ماشین سازی اراک، در اعتراض به عدم اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور در این کارخانه، روز چهارشنبه دوم دی ماه دست به اعتصاب زدند.

اعتصاب کارگران نساجی کردستان

به دنبال تصمیم کارفرمای کارخانه نساجی کردستان مبنی بر اخراج ۶ تن از کارگران موقت این کارخانه، صدها کارگر این کارخانه دست به اعتراض زدند و به نشان حمایت از این کارگران، از روز اول دی ماه دست از کار کشیده اند. کارگران خواهان لغو تصمیم کارفرما و ادامه کاری اخراج شدگان هستند.

راهپیمایی اعتراضی کارگران پارس ایران

بیش از هشت ماه است حقوق کارگران نساجی پارس ایران واقع در استان گیلان، پرداخت نشده است. از حدود یک ماه پیش، به دلیل قطع برق کارخانه، این واحد عملاً تعطیل شده است. مراجعات و اعتراضات مکرر کارگران این کارخانه برای پرداخت دستمزدهای معوقه خود، تاکنون به نتیجه ای نرسیده است. ۲۰۰ کارگر این کارخانه تصمیم گرفته اند به نشان اعتراض دست به راه پیمایی بزنند و از شهرستان رشت تا به تهران را با پای پیاده طی کنند.

حکومت به عنوان کاندیدای اصلی و اول انتخاب شده اند و تا آخر هم کاندیدای ما خواهند بود.» خاتمی از مصطفی معین به عنوان کاندیدای اصلی و آخر نام می برد، هر چند از گوشه و کنار نخواستار این در امکان رد صلاحیت وی به گوش می رسد، زیرا جناح رقیب از معین به علت وقایع ۱۸ تیر و استعفایش ناراضی است.

در همان روز ۵ دی، محسن آرمن، سخنگوی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و از گروه های جبهه اصلاحات در گفت و گویی با ایرنا گفت: «احتمال حضور هاشمی رفسنجانی با واکنش بسیار تند بخش افراطی جناح منتقد دولت روبه رو شده است.» آرمن سپس افزود: «رهبری بخش تندروی مخالف اصلاحات حضور هاشمی رفسنجانی را کاملاً به ضرر خود می بیند و احساس می کند او مانع شکل گیری یکپارچگی قدرت به نفع آنان می شود.» گفته های دیگر آرمن نشانگر آن است که جبهه اصلاحات در نظر دارد با ورود هاشمی رفسنجانی به میدان بازی تعداد آرای جناح رقیب را بشکند تا بلکه از این نمد کلاهی برای خود درست کند، گویی آرمن و اصلاح طلبان خود را هنوز در مقطع دو دوره ی قبلی ریاست جمهوری گمان می کنند. با فرض این که نامزدی هاشمی رفسنجانی «بخش تندروی مخالف اصلاحات» را نگران کرده باشد، مگر امروز اصلاح طلبان بیش از جناح رقیب وجهه و آبرو دارند؟ و آیا همین که اصلاح طلبان رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را نزدیک تر به خود معرفی می کنند تا جناح رقیب، آنان را بی آبروتر از پیش خواهد کرد؟ از این هم بگذریم که نامزدی شخصیت منفوری همچون هاشمی رفسنجانی که در انتظار مردم به نماد فساد در جمهوری اسلامی تبدیل شده است به هیچ وجه جناح رقیب را نگران نکرده است، کما اینکه علی لاریجانی روز پیش از مصاحبه ی آرمن گفته بود که در صورت حضور هاشمی رفسنجانی و تصمیم جناح ولی فقیه، از او حمایت خواهد کرد. در روزهای اخیر «اصلاح طلبان» دیگری که در سال های اخیر کوشش نمودند چهره ی رادیکالی از خود ترسیم کنند نیز وارد معرکه شدند. این چنین بود که مصطفی تاج زاده، روز ۶ دی در کرمانشاه گفت: «در شرایط کنونی و فضایی که برای انتخابات در جامعه ایجاد شده کفران نعمت است که در مسئله انتخابات بی تفاوت باشیم.» بهروز افخمی کارگردان و نماینده ی مجلس ششم در همین روز علاقه مندی خود را برای تهیه ی برنامه تبلیغاتی مهدی کروبی اعلام نمود. همانگونه که هیچ اختلاف فاحشی بین نام های مطرح شده برای نامزدی ریاست جمهوری در جناح ولی فقیه نیست، همانگونه تفاوتی اساسی بین نامزدان جبهه اصلاحات نیست. تفاوت شاید در این باشد که انتخابات نهمین دوره ی ریاست جمهوری اسلامی دیگر انتخابی بین بد و بدتر نیست، این بار بدترها با هم رقابت می کنند و تنها مردم می توانند با تحریر گسترده ی آن، داغ ننگ دیگری بر پیشانی جمهوری اسلامی بکوبند، چنان که اثرش تا روز مرگش بر جای بماند.

نتیجه ای به جز فقر و فلاکت بیشتر به دنبال نداشته است، از این لحاظ نیز تفاوتی بین دو جناح اصلی جمهوری اسلامی نیست. با این حال جناح ولی فقیه و جناح دوم خردادی ها، که از فرط بی آبرویی نام خود را اخیراً به جبهه اصلاحات تغییر داده است، هر یک اهداف گوناگونی را در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری دنبال می کنند. جناح ولی فقیه کماکان تلاش می کند با استفاده از اهرم هایی که در اختیار دارد ریاست جمهوری را نیز از آن خود کرده تا بتواند پروژه ی یکپارچه کردن حکومت و استیلای بدون واسطه ی خود را متحقق کند. جناح «اصلاح طلب» نیز هر چند می داند که دیگر مانند جناح مقابل از هیچ گونه اعتمادی از سوی مردم بهره مند نیست، می خواهد هر طور شده قوه ی مجریه را حفظ کند تا بیش از این به بیرون حاکمیت پرتاب نگردد و سرنوشت اپوزیسیون نیمه قانونی جمهوری اسلامی همچون نهضت آزادی را پیدا نکند.

جناح ولی فقیه مشکلی برای تعیین نامزد اصلی و نهایی خود ندارد زیرا از سویی از گذراندن وی از صافی ها اطمینان خاطر دارد و از سویی به قول آقای محمدرضا خاتمی از بالا دستور می گیرد و «نمایشی» جلسه برگزار می کند. این جناح تاکنون نام هایی مانند علی اکبر ولایتی، علی لاریجانی و محمود احمدی نژاد را پیش کشیده و از سوی دیگر محسن رضایی را به عنوان شخصی مستقل از دو جناح معرفی می کند. علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه سابق و مشاور کنونی خامنه ای در امور بین الملل، علی لاریجانی، رئیس سابق صدا و سیما ی جمهوری اسلامی که «رهبر معظم» منصوب می کند، محمود احمدی نژاد، شهردار انصار حزب اللهی کنونی تهران و محسن رضایی، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، یکی بهتر از دیگری می توانند رئیس جمهور «اصلاح» جناح ولی فقیه باشند و نهاد ریاست جمهوری را به حیاط خلوت مطمئن تر آن تبدیل کنند.

جناح «اصلاح طلب» که از آزمون راضی کردن میرحسین موسوی برای نامزدی ریاست جمهوری ناکام بیرون آمد به کلی از اندیشیدن به چهره های به اصطلاح رادیکال تر خود چشم پوشی نموده است، زیرا تجربه نمایش انتخاباتی مجلس هفتم به این جناح ثابت کرد که معرفی رادیکال ها همان و رد صلاحیت هم همان. این جبهه با تشنتی بی سابقه تر از گذشته به سوی مهدی کروبی یا مصطفی معین دست دراز کرده است. از سویی رسول منتجب نیا، عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز که از گروه های اصلی جبهه اصلاحات است روز ۵ دی می گوید که کروبی «تنها کاندیدای» این تشکل است و از سوی دیگر محمد رضا خاتمی، دبیرکل جبهه مشارکت ایران اسلامی همان روز چنین اعلام می کند: «آقای دکتر معین پس از یک تجزیه و تحلیل پدیده اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور و بر اساس در نظر گرفتن مجموعه تمایلات درون جبهه اصلاحات و نیز توازن قوای درون

اخباری از ایران

اعتراض کارگران مترو

کارگران تعمیر و نگهداری سالن های مترو که تحت پوشش یک شرکت پیمانکاری است، نسبت به پائین بودن دستمزدها و اضافه کاری بدون پرداخت دستمزد، شدیداً اعتراض دارند. ۱۳۰ تن از کارگران مترو، خط حرم- میرداماد تهران، با ۵۰ ساعت اضافه کاری اجباری و بدون دریافت هرگونه مزایایی، ماهانه تنها ۱۲۰ هزار تومان دستمزد می گیرند. این کارگران خواستار افزایش دستمزدها و احقاق حقوق خود هستند.

تجمع اعتراضی کارگران آوانگان

روز چهارشنبه دوم دی ماه، بیش از ۳۰۰ تن از کارگران شرکت آوانگان اراک، باردیگر دست به اعتراض زدند و با تجمع در برابر در ورودی کارخانه، ضمن سر دادن شعارهایی، خواستار ضمانت شغلی و رسیدگی به مشکلات خود شدند. شرکت آوانگان از جمله شرکت های وابسته به وزارت نیرو است که از حدود یک ماه پیش به بخش خصوصی واگذار شده است که این موضوع اعتراضات مکرر ۷۰۰ کارگر این شرکت را در پی داشته است.

اعتراض کارگران "کشاباف صفا"

در کارخانه "کشاباف صفا"، کارفرما و مدیریت کارخانه، حقوق و مزایای کارگران را قسطی پرداخت می کنند. افزون بر این، اضافه کاری ها را نیز نمی پردازند و در صدد تعطیلی کارخانه اند. ۵۴ کارگر این واحد نساجی، به شدت از این وضعیت ناراضی و خواستار احقاق حقوق خود هستند. این کارگران به دنبال اعتراضات مکرر خود، سرانجام موفق شدند روز اول دی ماه، اضافه کاری مربوط به ماه قبل را دریافت کنند.

تحویل قرارداد موقت در نیروگاه اتمی بوشهر

بنا به گزارش خبرگزاری ایلنا، مسئولین نیروگاه اتمی بوشهر، با ابلاغ یک دستور العمل داخلی، از کارگران رسمی این واحد که مشمول طرح طبقه بندی مشاغل می شوند، خواسته اند تا از تاریخ ۲۵ آذر، با انعقاد قراردادهای موقت به کار ادامه دهند. این کارگران، تهدید شده اند چنانچه قرارداد کاری خود را تغییر ندهند، از نظر ادامه کاری آنها، هیچ مسئولیتی برعهده نیروگاه نخواهد بود. این موضوع، اعتراض شدید کارگران را در پی داشته است.

اخراج و بیکارسازی کارگران

- به دلیل فوت صاحب کارخانه "بلور کیوان"، ۳۲ کارگر این کارخانه، بیش از

فقر مطلق و آمارهای ضد و نقیض رژیم

هستند. براین مبنا، نه ۷ میلیون و نه ۱۲ میلیون بلکه اکثریت عظیم توده های زحمتکش مردم ایران با فقر مطلق روبرو هستند. درحالی که از دیدگاه اقتصاد بورژوازی و سخنگویان طبقه سرمایه دار گویا تنها کسانی در مقوله فقر مطلق قرار می گیرند که در حال مرگ از گرسنگی هستند. برای به دست آوردن یک لقمه نان به گدائی روی می آورند و شب را در خیابان ها و کوچه ها سر بر بالین می گذارند. اما در واقع این گروه، تنها پائین ترین لایه مردمی هستند که با فقر مطلق روبرویند و نه تمام آنها.

حقوق بگیران و سخنگویان طبقه سرمایه دار، همچنین واژه فقر نسبی را نیز تحریف می کنند. آنها مردمی را که برطبق محاسبات خودشان زیر خط فقر قرار می گیرند، طبقه بندی می کنند و فقیر را با فقیر مقایسه می کنند تا از درون آن، فقر مطلق و نسبی شان را بیرون بکشند. از این رو آنها مردمی را که قادرند در هر ماه مثلاً کمتر از ۱۲۰ هزار تومان را صرف هزینه های زندگی روزمره خود کنند، فقیر مطلق و آنهایی را که مثلاً در هر ماه ۱۳۰ یا ۱۵۰ هزار تومان درآمد و هزینه دارند، بالنسبه فقیر می دانند.

اما در حقیقت امر، فقر نسبی هیچ معنایی نخواهد داشت، مگر آن که محاسبه بر مبنای تفاوت درآمد فقیر و غنی، سرمایه دار و کارگر قرار گیرد، روشن شود که سهم کارگران و مردم زحمتکش از درآمد سالیانه ملی چقدر است و سهم سرمایه داران و ثروتمندان چقدر، آنگاه مقایسه شود که آیا سهم توده های زحمتکش مردم از درآمد ملی، نسبت به سال قبل و سالهای پیش از آن کاهش یا افزایش داشته است و سهم ثروتمندان چه تغییری کرده است. این واقعیت را امروزه حتی اقتصاد دان های توجیه گر نظام سرمایه داری نیز می پذیرند که در طول تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، در حالی که سهم طبقه کارگر از مجموع درآمد ملی، سال به سال کاهش یافته است، سهم سرمایه داران مدام افزایش یافته است، تا جایی که حتا دوراندیش ترین آنها در مورد عواقب اجتماعی این شکاف بزرگ هشدار می دهند. این واقعیت است که فقر نسبی را با عمیق ترین شکاف نشان می دهد و نه مقایسه این یا آن گروه از مردم فقیر و زحمتکش با یکدیگر.

توده های کارگر و زحمتکش ترین و تهی دست ترین بخش مردم ایران با فقر مطلق و نسبی در هولناک ترین شکل آن، رو به رو هستند. آن چه که در ایران وضعیت این مردم را حتا وخیم تر از آن چیزی ساخته است که از قانونمندی های نظام سرمایه داری بر می خیزد، رژیم سیاسی استبدادی حاکم و برقراری دیکتاتوری در عریان ترین شکل آن است. در این رژیم سیاسی که توده مردم از داشتن هرگونه آزادی و حق و حقوق محروم اند و طبقه کارگر نیز از داشتن تشکل های مستقل و حق قانونی اعتراض محروم است، سرمایه داران، این امکان را یافته اند که چنان بی حساب و کتاب کارگران را استثمار کنند که حتا دستمزدی که به آنها می پردازند جوابگوی حداقل معیشت آنها نباشد. سرمایه داران نه فقط از این بابت سودهای کلانی به جیب می زنند و بر ثروت های افسانه ای خود می افزایند، بلکه از طریق زد و بندهای خود با بورکراسی فاسد،

حتی این وعده ها عملی گردند نه ۳ یا ۴ مرکز بلکه دهها و صدها ساختمان بزرگ هم برای اسکان شبانه هزاران انسان خانه به دوشی که از فرط فقر و بدبختی، شبانه روز زندگی خود را در خیابان ها و دیگر مراکز عمومی شهرهای بزرگ می گذرانند، کفایت نخواهد کرد. اما معضل، تنها این نیست که جایی برای پناه بردن کارتن خواب های تهران در شب های سرد و کشنده زمستان وجود ندارد و همه روزه تعدادی از این افراد فقیر و خانه به دوش در برابر چشم همگان جان می دهند.

اینان تنها گروه کوچکی از انبوه میلیونی انسانهایی هستند که نظام طبقاتی سرمایه داری حاکم بر ایران، آنها را به چنان فقر و گرسنگی محکوم کرده است که هر روزه هزاران تن از آنها جان می دهند، اما کسی شاهد مرگ آنها نیست. خبرنگاری به سراغ آنها نمی رود و گزارشی از مرگ و میر آنها در نشریات رژیم منعکس نمی شود.

منابع دولتی تاکنون دهها آمار ضد و نقیض در مورد تعداد انسان هائی که در ایران در چنگال فقر مطلق گرفتارند، انتشار داده اند که دامنه نوسان آن از ۶ تا ۷۰ درصد جمعیت کشور است.

پیش از این منابع رسمی دولتی به دفعات ۵۰ تا ۷۰ درصد جمعیت کشور را زیر خط فقر اعلام کرده بودند. اما در هفته های اخیر به یک باره همه چیز دگرگون شده و آمارهای به کلی متفاوت ارائه شده است. چند روز پیش یکی از مدیران کل وزارت به اصطلاح رفاه، اعلام نمود که در ایران بیش از ۱۲ میلیون نفر در فقر مطلق به سر می برند یعنی رقمی حدود ۲۰ درصد جمعیت. اما تنها دو روز بعد مرکز آمار جمهوری اسلامی تعداد افرادی را که زیر خط فقر قرار دارند به حدود ۷ میلیون کاهش داد و آن را ۱۲ درصد اعلام نمود. بی پایه و جعلی بودن این آمار از ادعاهای ضد و نقیض مقامات دولتی و موسسات وابسته به آن آشکار است. اما مبنای محاسبات مرکز آمار رژیم چیست؟ این آمار بر مبنای نگرش بورژوازی به مسئله فقر و فقیر ارائه می شود. مرکز آمار حکومت اسلامی می گوید، یک خانواده ۴ نفره که متوسط هزینه های ماهانه آن کمتر از ۱۲۰ هزار تومان باشد با فقر مطلق روبروست. اما همین مرکز اعلام می کند که در سال ۸۲، خط فقر در مناطق شهری ایران، کمی بالاتر از ۳۰۰ هزار تومان است. این بدان معناست که حتا بر مبنای همین محاسبه، اگر قرار باشد، حداقل معیشت یک خانواده کارگری تامین گردد، باید درآمد ماهانه آن بیش از ۳۰۰ هزار تومان باشد. با کمتر از این مبلغ، خانواده های زحمتکش نمی توانند حداقل معیشت خود را تامین کنند. نمی توانند در محدوده ای که برای تولید و بازتولید نیروی کار ضروریست، مایحتاج روزمره و دیگر وسائل ضروری زندگی شان را تامین کنند. وقتی که کارگران نتوانند حداقل معیشت شان را از طریق دستمزدی که می گیرند تامین کنند. وقتی که سال به سال شرایط زندگی آنها وخیم تر شده است به نحوی که سطح معیشت آنها در مقایسه با ۳۰ سال پیش به نحو حیرت آوری تنزل کرده است، آنها با فقر مطلق روبرو

اخبار کارگری جهان

موج اعتصابات کارگری در دانمارک

اوایل ماه نوامبر، ۸۰ کارگر کارخانه تولید مواد غذایی Danish Crown در شهر Vejle برای آخرین بار در سر کار حاضر شدند. از مدتی پیش صاحبان این مجتمع عظیم تولید مواد غذایی اعلام کرده بودند که در سال جدید باید ۱۲ میلیون کرون از هزینه تولید صرفه جویی شود و این هم به زبان سرمایه داران چیز دیگری جز اخراج کارگران نیست. هنوز چند هفته اثنی از تعطیل این کارخانه نگذشته بود که نوبت به ۲۵۰ کارگر یکی دیگر از کارخانه های این شرکت در شهر Ringsted رسید که باید مزه تلخ صرفه جویی در هزینه های تولید سرمایه داران را می چشیدند. اما همزمان با اعلام غیر رسمی خبر تعطیلی کارخانه، کارگران شنیدند که کارفرما در حال راه اندازی کارخانه مشابهی در لهستان است که بتواند با دستمزدی برابر با ۳/۱ دستمزد کارگران دانمارک همان مواد را تولید کند. پخش این خبر موجی از مقاومت را در میان کارگران به راه انداخت. کارگران بلافاصله دست به اعتصاب زدند. با آغاز این اعتصاب نمایندگان کارفرما به سرعت دست به کار شده و ضمن تهدید مستقیم کارگران اعلام نمودند که این کارخانه تنها در صورتی باز می ماند که ساعات کار هفتگی از ۳۷ ساعت به ۴۰ ساعت افزایش یابد و دستمزد ها هم به میزان ۱۵٪ کاهش یابند. کارگران چاره اثنی نداشتند. یا تعطیلی کارخانه، بیکاری، فقر و خانه خرابی و یا باز نگهداشتن کارخانه به شرط تقسیم فقر. در این شرایط کارگران راه دوم را انتخاب کردند. اما این پایان کار نبود. اگر در این کارخانه پیروزی نصیب سرمایه داران می شد، بدون شک سرنوشتی مشابه سرنوشت کارگران شهر Ringsted در انتظار ۲۰ هزار کارگر صنایع غذایی در دانمارک بود که به زودی باید به پای میز مذاکره بروند تا قراردادهای دسته جمعی خود برای ۳ سال آینده را تعیین کنند. این واقعیت به سرعت بر همه کارگران آشکار شده و از همان فردای اعلام این خبر موجی از اعتصاب در میان کارگران آغاز شد. در روزهای اول بیش از ۵ هزار کارگر در ۱۲ شهر دست به اعتصاب زده و قرارداد سرمایه داران با کارگران شهر Ringsted را غیر قانونی اعلام نمودند. پس از چند روز اعتصاب در میان هزاران کارگر در شهرهای دیگر آغاز شد. با گسترش اعتراض و مقاومت کارگران، اتحادیه کارگران مواد غذایی هم از سرمایه داران خواست که توافقات خود با کارگران را لغو کند. در این حال سرمایه داران راه عقب نشینی را انتخاب کردند و اعلام نمودند حقوق کارکنان و مسئولین تولید در کارخانه شهر Ringsted کاهش یافته و دستمزد کارگران کمی افزایش یافته و انجماد دستمزدها هم از اواسط سال ۲۰۰۶ آغاز می شود. اما این عقب نشینی هم کافی نبود. اتحادیه کارگران با تشکیل یک مجمع عمومی وسیع، نمایندگان کارگران از سراسر دانمارک را گرد هم آورد. این نشست از کارگران خواست به مقاومت خود تا توقف کامل اقدامات زورگویانه سرمایه داران ادامه دهند. این اعتصابات زنجیره اثنی سرانجام

کارفرما را به عقب نشینی کامل واداشته و انجام هر گونه مذاکره پیرامون سرنوشت این کارخانه را تا سال ۲۰۰۷ به تعویق انداخت. برغم این توافقات اما اعتصابات کارگران پایان نیافت. هنوز زود بود که بشود به این وعده های کارفرما اطمینان کرد. کارگران حق داشتند چرا که تنها پس از چند روز، صاحبان مجتمع غذایی Danish Crown اعلام نمودند که هیچ چاره اثنی جز تعطیلی کارخانه Ringsted تا ماه می سال ۲۰۰۵ ندارند. با اعلام این خبر کارگران این تصمیم کارفرما را غیرقانونی دانسته و راه متوقف کردن سرمایه داران از طرق قانونی را انتخاب کردند. اکنون باید دید مبارزه کارگران علیه تهدیدات سرمایه داران چگونه ادامه یافته و نتیجه این مبارزه چه می شود. در صورت شکست کارگران هیچ تردیدی نیست که نوبت به کارگران در دیگر بخش های صنعت خواهد رسید که به مصاف سیاست "یا تعطیلی و انتقال تولید به کشورهای نیروی کار ارزان یا کاهش دستمزدها و افزایش ساعات کار هفتگی در کشور خودی" سرمایه داران بروند.

اعتصابات کارگران در انگلستان

روز ۲۳ دسامبر هزاران کارگر پست در شهر لندن دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این اعتصاب در اعتراض به تصمیم مدیریت مینی بر باز نگهداشتن بیش از ۲۹۰ اداره پست در این روز بود. با این اعتصاب، شرکت پست دولتی انگلستان اعلام نمود که به جای کارگران اعتصابی، مسئولان و مدیران را به این ادارات می فرستد. اما صف های طولانی مشتریان در مقابل ادارات پست نشان از عدم کارایی این سیاست اعتصاب شکنانه مدیریت پست لندن بود. در همین روز، هزاران نفر از کارگران و رانندگان قطارهای زیرزمینی لندن هم دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این حرکت در اعتراض به سیاستهای مدیریت انجام گرفت. ساعات کار طولانی، شرایط کار دشوار و دستمزدهای بخور و نمیر تنها مشکلاتی نیست که کارگران باید با آن دست و پنجه نرم کنند، اقدامات خودسرانه و ضد کارگری مدیران شرکت قطارهای زیرزمینی لندن هم از جمله مشکلات روزافزونی است که کارگران هر روزه با آن سر و کار دارند. با اعتصاب روز ۲۳ دسامبر، دهها هزار نفر مسافر در یکی از شلوغترین روزهای سال در خیابانها به انتظار اتوبوس و تاکسی ماندند.

اعتصابات در آمریکا

روز ۲۳ دسامبر، نزدیک به ۳۰۰ نفر از پرستاران یکی از بیمارستانهای دانشگاهی در شهر لوس آنجلس برای دومین بار در طول ماه اخیر دست به یک اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. بهبود شرایط کار، افزایش دستمزدها و حق بازنشستگی از جمله خواست اعتصابیون است. با آغاز این اعتصاب، پرستاران در مقابل بیمارستان تجمع نموده و با پخش هزاران اطلاعیه دلیل اعتراض خود را به بیماراران و مراجعین توضیح دادند. مدیریت بیمارستان اعلام نمود که حاضر است دستمزدها را به میزان ۲٪ افزایش دهد. این اقدام با مخالفت همه اعتصابیون مواجه شد.

روز ۲۲ دسامبر هم ۱۹۶ روز از آغاز اعتصاب بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران خدمات یکی از مراکز مراقبت از سالمندان در شهر واشنگتن گذشت. هنوز چند هفته از آغاز این حرکت نگذشته بود که مدیریت این مرکز تمامی اعتصابیون را به دلیل برپائی اعتصابی غیرقانونی اخراج نمود. کارگران این اقدام کارفرما را غیر قانونی شناخته و با شکایت به مقامات قضائی خواستار استخدام مجدد خود شدند. خواست اعتصابیون افزایش دستمزدها و عدم افزایش حق بیمه های درمانی است.

پایان اعتصاب کارگران در پورتوریکو

سرانجام روز ۲۶ دسامبر، ۴۳۰۰ کارگر خدمات آب رسانی در شهر سان خوان، پایتخت پورتوریکو، پس از ۸۰ روز به اعتصاب خود پایان دادند. اواسط ماه اکتبر مقامات دولت در این کشور اعلام نمودند که در سه ماه اول سال جاری، بخش زیادی از خدمات آبرسانی این شهر به شرکتها خصوصی واگذار می شود. پخش این خبر موجی از خشم را در میان کارگران برانگیخت. کارگران هیچ شکی نداشتند که خصوصی سازی یعنی اخراج و فقر و بیکاری. به همین دلیل راه مبارزه مستقیم با این اقدامات دولت را برگزیده و دست به یک اعتصاب نامحدود و یکپارچه زدند. این اعتصاب ۸۰ روز به طول کشیده و در این روزها، اعتصابیون با برپائی راه پیمائی و تظاهرات خواستار توقف فوری این تصمیم دولت شدند. سرانجام مقامات دولت راه عقب نشینی را برگزیده و ضمن دعوت نمایندگان اعتصابیون به پای میز مذاکره، اعلام نمودند که طرح خصوصی سازی خدمات آبرسانی در این کشور تا اطلاع ثانوی متوقف می شود.

گزارش سازمان بین المللی کار (ILO) در گزارش از فقر و بیکاری در جهان

سازمان بین المللی کار (ILO) در گزارش مورخ ۷ دسامبر سال جاری، آمار جدید فقر و بیکاری در جهان را منتشر کرده است طبق این سند، ۴/۱ میلیارد نفر، یعنی نیمی از جمعیت شاغل جهان در فقر به سر می برد و روزانه درآمدی معادل ۲ دلار دارند. همچنین ۵۵۰ میلیون نفر با دستمزد روزانه کمتر از یک دلار روزگار می گذرانند. در این گزارش همچنین به روند پرشتاب اخراج و بیکاری اشاره شده است. در سال ۲۰۰۳، تعداد ۱۸۵ میلیون نفر بر تعداد بیکالران افزوده شده است.

بیکاری در عراق

دفتر سازمان ملل در اردن در نیمه اول دسامبر سال جاری، آمار بیکاری در عراق را منتشر کرد. براساس این گزارش به دنبال حمله نظامی در عراق و تشدید درگیری های درونی عراق، روز به روز بر تعداد کارخانجات ورشکسته افزوده می گردد. تعطیل کارخانجات و مراکز تولیدی منجر به بیکاری ۳۰ درصد از جمعیت شاغل این کشور شده است. همین منبع می افزاید که ۵۰ درصد نیروی جوان این کشور بیکارند. در حال حاضر ۲ میلیون نفر از مجموع ۶ میلیون جمعیت شاغل عراق بیکارند.

اخباری از ایران

دوسال است که در حال سرگردانی و بلاتکلیفی به سر می‌برند. شایان ذکر است که قرار بر این بود بعد از یک هفته تعطیلی به خاطر مرگ صاحب کارخانه، وراثت و مشکلات کارخانه را حل کنند و زمینه ادامه کاری آن را نیز فراهم سازند، اما این مهلت عملاً حدود دوسال به طول انجامیده است. در حالی که تاکنون پنج بار حکم بازگشت به کار کارگران این کارخانه صادر شده است، اما این کارگران کماکان سرگردان و بلاتکلیف اند. این در حالیست که به دلیل عدم تسویه حساب، هیچگونه مقرری بیمه بیکاری نیز به کارگران که همگی بیمه شده‌اند، سازمان تامین اجتماعی هستند، پرداخت نمی‌شود.

صد تن از کارگران قراردادی شرکت تلویزیون شهاب، در آستانه اخراج اند. این کارگران که بیش از هفت سال سابقه کار دارند، همگی با قراردادهای موقت و سه ماهه مشغول به کارند که حتی روزهای تعطیل را نیز برای کارفرما کار می‌کنند.

دستمزد کارگران را نمی‌پردازند

کارگران کارخانه "سازمایه" واقع در پاکدشت، بیش از سه ماه است دستمزد نگرفته‌اند. این واحد که پنج سال پیش به بخش خصوصی واگذار گردید، تعدادی از کارگران را اخراج نموده است. افزون بر این، به علت عدم پرداخت حق بیمه از سوی کارفرما، کارگران، از خدمات بیمه ای نیز محروم اند.

شرکت "کرم کمیکال" ساری، چهار ماه دستمزد کارگران را نپرداخته است. کارفرمای

از صفحه ۳

فقر مطلق و آمارهای ضد و نقیض رژیم

بخش قابل ملاحظه ای از درآمد مؤسسات و واحدهای تولیدی ظاهراً عمومی متعلق به عموم "ملت" را به جیب خود سرازیر می‌کنند. علاوه بر این، وخامت غیرقابل توصیف شرایط زندگی توده های کارگر و زحمتکش، بخشا نیز به این مسئله ربط پیدا می‌کند که رژیم دیکتاتوری عریان حاکم بر ایران، به منظور تحکیم موقعیت خود و نظام اقتصادی- اجتماعی موجود، مداوماً بر طول و عرض دستگاه عریض و طویل انگل دولتی افزوده است. این دستگاه دولتی، بخش بزرگی از حاصل دسترنج توده های کارگر را می‌بلعد. همه ساله میلیاردها دلار صرف هزینه های بورکراسی و نیروهای سرکوب و نظامی این دستگاه می‌شود. علاوه بر بودجه ای که هر سال منظمآ به آنها اختصاص داده می‌شود و سال به سال هم افزایش می‌یابد، همه ساله میلیاردها دلار دیگر خارج از بودجه مصوب به آنها داده می‌شود. همین چند روز پیش بود که تنها یک قلم

خلاصه ای از اطلاعیه ها و بیانیه های سازمان

در تاریخ ۲۸ آذر ماه، در اطلاعیه ای تحت عنوان "اعتصاب یکپارچه ۱۱۰۰ کارگر شرکت رامشیر"، خبر اعتصاب کارگران داده شد. در این اطلاعیه آمده است:

"شرکت رامشیر یکی از شرکت های پیمانکاری است که در رابطه با شرکت پتروشیمی در منطقه عسلویه فعالیت می‌کند. این شرکت پیمانکاری مانند دهها پیمانکار دیگر که در بخش های مختلف نیز فعالیت می‌کنند، در زمینه پرداخت دستمزد کارگران مرتباً اشکال تراشی نموده است. دستمزدها را عموماً با دو ماه تاخیر پرداخت نموده و آن را به یک روش معمول مبدل ساخته است. اخیراً شرکت رامشیر پارا از این هم فراتر گذاشته و هم اکنون ۴ ماه است دستمزد کارگران را نپرداخته است."

در این اطلاعیه همچنین به شرایط ۵۰ هزار کارگر ایرانی و غیر ایرانی در عسلویه اشاره شده است که در بدترین شرایط ایمنی و بهداشتی به کار مشغولند.

در پایان، سازمان ما از خواست های اعتصابیون که افزایش و پرداخت به موقع دستمزدها، بهبود و ایمنی شرایط کار است، حمایت کرده است.

اجتماعات اعتراضی کارگران "نساجی بابکان" و "بهمن پلاستیک" عنوان اطلاعیه مورخ ۲۴ آذر ماه است که در آن به اعتصاب ۴۰۰ کارگر نساجی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان اشاره شده است.

عدم پرداخت دستمزد کارگران و نگرانی نسبت به آینده شغلی از جمله علل اعتراض کارگران نساجی بابکان است.

در این اطلاعیه همچنین به تجمع کارگران کارخانه بهمین پلاستیک در مقابل وزارت کار و امور اجتماعی اشاره شده است که خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود شده اند.

در این اطلاعیه آمده است که عدم پرداخت به موقع دستمزدها و بلاتکلیف نگاه داشتن کارگران منحصر به این دو واحد تولیدی نیست بلکه دهها و صدها مرکز تولیدی دیگر نیز به همین شیوه رفتار می‌کنند.

سازمان ما ضمن حمایت از تجمع اعتراضی کارگران واحدهای فوق، خواهان تحقق فوری مطالبات اعتصابیون شده است.

سوانح ناشی از کار

به گزارش ایلنا، ۲۹ آذر، در واحدهای صنعتی و تولیدی پاکدشت، اکثر کارگران با دستگاههای غیر استاندارد و به دور از اصول ایمنی کار می‌کنند و به طور متوسط سالانه ۱۵ در صد آنان گرفتار حوادث ناگوار می‌شوند. در سال گذشته و سال جاری، ۱۵ تن از کارگران، یک یا هردو دست خود را هنگام کار با پرس های ۱۰۰ تنی یا دستگاه ها تزریق پلاستیک و یا آسیاب های غیر استاندارد، از دست داده اند. همین خبرگزاری می‌افزاید، رسیدگی به امور بازرسی و نظارت بر ایمنی ۷۵۰۰ واحد کارگری در پاکدشت، تنها توسط یک نفر انجام می‌شود!

جان محمد حاتمی صبور، کارگر ۲۸ ساله از اهالی شهرستان زابل به دلیل عاجز بودن از تامین هزینه معالجه بیماری خود، دست به خودکشی زد. این کارگر که از هرگونه حمایت های بیمه ای محروم بود، دارای همسر و سه فرزند است.

چند خبر کوتاه

موسوی لاری وزیر کشور جمهوری اسلامی در "پنجمین همایش ملی کار" گفت، "در تهران بیش از ۶۰۰۰ کارتن خواب و آواره زیر پل ها وجود دارد که طی دو ماه گذشته ۸۰ نفر از آنان جان باخته اند"

کارفرمای شرکت کنسرو سازی "فدلیک" شوشتر، کارگران این شرکت را شدیداً تحت فشار گذاشته و آنان را اجباراً وادار به امضاء قراردادهای سفید امضا می‌کند و از آنان ضمانت های سنگین دریافت می‌کند. کارگران با ۱۰ سال سابقه کار اجباراً قراردادهای سه ماهه امضا می‌کنند.

زنده باد سوسیالیسم

از صفحه ۸

ایران خودرو؛ الگو و اشتها

گران رسمی بستگی دارد در هر قسمت که هستیم از دوستان خود حمایت کنیم. آنها را در این مبارزه تنها نگذاریم کارگران درد مشترک و خواست مشترک دارند اجازه ندهیم بین ما تفرقه بیندازند تنها در هوشیاری و آگاهی و اتحاد و همبستگی ما کارگران است که دشمن مشترک شکست خواهد خورد. دوستان کارگر پیمانکار خواست شما خواست ما نیز است مطمئن باشید ما در این راه شمارا تنها نخواهیم گذاشت با حفظ هوشیاری و اتحاد و همبستگی خود گور شرکت های پیمانکاری را به زودی با دستان توانمند خود بر خواهیم کشید.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران
جمعی از کارگران ایران خودرو ۱۳/۹/۲۵

این پاسخ روشن و غرور انگیز کارگران رسمی به رفقای هم طبقه ی خود که سرشار از آگاهی و همبستگی طبقاتی است، جانی برای هیچگونه توضیح و تفسیر باقی نگذاشته است. کارگران رسمی، دستی را که برای یاری و همیاری به سوبشان دراز شده است، رقیقانه فشرده اند و نه فقط از خواست ها و مطالبات اعتصابیون حمایت نموده و با آنان اعلام همبستگی نموده اند و نه فقط به کارگران اعتصابی اطمینان داده اند که آنها را تنها نخواهند گذاشت، بلکه هرگونه تبعیض میان کارگران را مردود شمرده و تلاش های بورژوازی برای ایجاد نفاق و تفرقه در میان کارگران را نیز هشدار داده اند. درد کارگران، مشترک است، دشمن کارگران، مشترک است و شکست این دشمن مشترک، در گرو هوشیاری، آگاهی، اتحاد و همبستگی کارگران است!

این، صدای کارگر پیشرو است. این صدای کارگر چپ رادیکال و سوسیالیست است، این، صدای کارگر ایران خودرو است که چنین شفاف و درخشان، خواست و موضع ۳۴۰۰۰ کارگر این شرکت را فریاد می کند.

کارگران ایران خودرو، با حفظ این روحیه و با حفظ اتحاد و همبستگی خود، بی تردید قادرند تلاش کارفرمایان برای ایجاد نفاق و دو دستگی در میان کارگران را به شکست بکشانند و مطالبات خود را نیز متحقق سازند. تجربه عملی مبارزه در ایران خودرو نیز بر این مسئله صحت می گذارد. همه کارگران ایران خودرو به یاد دارند که در جریان اعتصابات اواخر سال ۸۲ شمار زیادی از کارگران که نسبت به عدم پرداخت حق شیفت شیکاری اعتراض کرده بودند، از کار اخراج شدند. اما کارگران ایران خودرو مصرانه خواستار بازگشت به کار همکاران خود شده و برای آن دست به مبارزه زدند. فعالین و پیشروان کارگری ایران خودرو با هوشیاری و ظرافت خاصی، مسئله کارگران اخراجی ایران خودرو را در جریان برگزاری مراسم اول ماه مه، در سطح بالنسبه وسیعی به

پیام نصر، جهاد، نوین سازان، پیشتاز سامان، میلاد باران، راستین خدمات، پال، باوران خدمات، صنعت گستر (آرو)، پایه گزاران، شرکت جوش مقاومتی فراگیر، آذین پاش، عماد، شبنم نوبهاران، پارس آماد، راهبران، راه امید، پی پاک، ایکید، پونینگ و صنایع خزر نیز همبستگی خود را با کارگران اعتصابی اعلام نموده و خواستار حقوق مساوی با کارگران رسمی شدند.

اگر چه اعتراض وسیع کارگران ایران خودرو برای حق مساوی در برابر کار مساوی، اعلام حمایت و پشتیبانی وسیع و گسترده از کارگران اعتصابی، خواست حمایت و پشتیبانی کارگران رسمی، تاکید بر منافع طبقاتی واحد و اینکه منافع کارگران، مستقل از رسمی بودن یا نبودنشان یکیت و جدا از هم نیست، تاکید بر همبستگی و اتحاد کارگری تاهمین جا هم غرور آفرین و تحسین بر انگیز است و از رشد درجه آگاهی و سازماندهی در میان کارگران ایران خودرو حکایت می کند، با اعلام حمایت کارگران رسمی شرکت ایران خودرو از خواست های کارگران اعتصابی و پیمانکار، اما، همبستگی کارگری در ایران خودرو به فراز های عالی تری گذر نمود. نظر به اهمیت اعلام حمایت کارگران رسمی ایران خودرو از کارگران موقت و غیر رسمی، و از آن جا که اعلام موضع آنان فارغ از هرگونه تعبیر و تفسیری، نگاه طبقاتی و رشد درجه آگاهی کارگران ایران خودرو را در کلیت خود بازتاب می دهد، در اینجا به درج متن کامل اطلاعیه حمایتی کارگران رسمی اقدام می کنیم که نتایج هفته بعد از شروع اعتصاب صادر شده است.

اعلام حمایت کارگران رسمی شرکت ایران
خودرو از خواستهای کارگران پیمانکار

همکاران و دوستان کارگر ما کارگران رسمی شرکت ایران خودرو از خواستهای برحق همکاران خود در شرکت های پیمانکاری اعلام حمایت می کنیم خواسته آنان خواسته ما کارگران رسمی نیز می باشد ما کارگران هیچگونه تبعیض بین خود و دیگر همکاران خود را نمی پذیریم ما کارگران رسمی شرکت ایران خودرو همبستگی خودمان را با مبارزه همکاران غیر رسمی (چه کارگران قرار دادی و چه کارگران پیمانکار) در جهت رسیدن به حقوق خودشان اعلام می داریم. دوستان کارگر کارگران پیمانکار فرزندان و برادران و دوستان ما می باشند آنها چیزی جز حق قانونی خودشان که در قانون کار و قوانین دنیا پذیرفته شده است نمی خواهند آنها می گویند ما مزد مساوی در مقابل کار مساوی می خواهیم آیا این جرم است آنها می گویند بهره کشی از کارگر تحت هر عنوانی جرم تلقی می شود. آنها می خواهند مثل انسان با آنها رفتار شود آنها خواهان استخدام رسمی لغو قراردادهای موقت و انحلال شرکت های پیمانکار می باشند و ما از خواست های بر حق آنان پشتیبانی می کنیم. دوستان کارگر موفقیت کارگران پیمانکار به حمایت ما کار

میان سایر کارگران بردند تا حمایت آنها را جلب کنند و سرانجام در سایه یک رشته فعالیت های مبارزاتی مستمر و در سایه اتحاد و همبستگی کارگری، توانستند همکاران اخراجی خود را به سر کارهای خود بازگردانند.

فعالیت مبارزاتی و حرکت آگاهانه کارگران ایران خودرو، تنها به این واحد و درچارچوب این شرکت سی و چهار هزار نفره محدود نبوده است. چرا که معضلات کارگران ایران خودرو، معضلات فقط ایران خودرو نیست، معضلات تمام کارگران ایران است. کارگران درد مشترک و دشمن مشترک دارند! ایران خودرو نمی توانسته است و نمی تواند قبال این معضلات بی تفاوت باشد و نبوده است. نه فقط بی تفاوت نبوده است، بلکه فعالانه به مداخله و مبارزه نیز پرداخته و در این مسیر چه بسا پیشقدم هم بوده است. علیه قوانین ضد کارگری، علیه قراردادهای موقت و شرکت های پیمانکاری، علیه تعرض به حقوق کارگر، علیه دستگیری و محاکمه کارگران سقز، و در یک کلام هر جا که پای کارگر و منافع طبقاتی طبقه کارگر در میان بوده است، آگاهانه وارد کارزار شده است، سایر کارگران را نیز به رویارویی و مقابله با دشمن مشترک فراخوانده است، بر هم سرنوشتی کارگران تاکید نموده است و در هیچ زمانی اتحاد و همبستگی به عنوان یکی از شروط اساسی پیروزی، از زبان آن نیفتاده است!

فعالیت های مبارزاتی ایران خودرو طی دو سه سال اخیر، منجمله اعتصاب اخیر، کارگران پیمانکاری که اتحاد و همبستگی غرور آفرین سایر کارگران ایران خودرو اعم از کارگران رسمی یا غیر رسمی را در پی داشت، به روشنی بیانگر وجود یک درجه بالنسبه بالای سازماندهی و حاکی از قوام گیری، تقویت و گسترش تشکل های کارگری در اعماق ایران خودرو است. تشکل هایی که از دل مبارزات کارگری سربر آورده اند، به چم و خم سازماندهی در شرایط کنونی آشنایند، توسط خود کارگران و پیشروان کارگری آنها نه در این یا آن بخش، که در مقیاس تمام ایران خودرو و همه بخش های آن فعالند و به اهمیت فعالیت خود فراتر از چهارچوب های محلی ایران خودرو و ارتباط با رفقای خود در سایر واحد ها نیز واقفند و آرام و سنجیده دارند در اعماق کارخانه ها ریشه می دوانند.

الگوی ایران خودرو که در بجه امیدی را به روی کارگران سایر بخش ها و واحدها نیز گشوده است، مایه مباحثات و درس گیری است. جنبش کارگری ایران، این گام های آرام و سنجیده را که در عمق کارخانه ها و واحدهای تولیدی در حال پیشروی است، بایستی به فال نیک بگیرد. گرایش چپ رادیکال و سوسیالیستی، یگانه گرایشی است که آرام آرام در میان کارگران ریشه می دواند، خود را ترمیم می کند، بیش از پیش جای پای خود را سفت و سفت تر می کند و از هم اکنون پایه های خود را در درون توده کارگران تحکیم و استوار می سازد.

اینجاست که مصداق آن سخن بدیع و پر نغز آموزگار کبیر پرولتاریای جهان، باید گفت که "خوب نخب می زنی ای موش کور!"

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

محکومیت رژیم در مجامع بین المللی

سازمان ملل، آن را به پذیرش خواست و رأی مردم وادارد، اساسا اکنون ما با پدیده ای به نام جمهوری اسلامی روبرو نبودیم. طرفداران رفراندوم نیز این را می دانند که نه سازمان ملل می تواند و یا می خواهد جمهوری اسلامی را سرنگون کند و نه جمهوری اسلامی رژیم می ست که برای سرنگونی خود رفراندوم برگزار نماید. اما آنها می کوشند که با طرح این شعار باز هم این توهم را بپراکنند که جمهوری اسلامی، به رأی و خواست مردم تمکین خواهد کرد و به شکلی مسالمت آمیز کنار خواهد رفت و مهم تر از این، چنانچه وضعیت رژیم بحرانی تر و اعتراضات گسترده تر گردد، از طریق رفراندوم قدرت را دست به دست کنند و مانع از انقلاب برای دگرگونی نظم موجود گردند. اما سیر تحولات در ایران مطابق میل آنها پیش نخواهد رفت. جمهوری اسلامی به سانگی کنار نخواهد رفت. این رژیم تا آخرین لحظات حیات ننگی اش در برابر توده های مردم ایران و خواست های آنها مقاومت خواهد کرد. مردمی که خواهان آزادی و دمکراسی و مطالبات رفاهی خود هستند، مبارزه خود را در برابر مقاومت روبنای سیاسی موجود تشدید خواهند کرد و راه دیگری جز انقلاب نخواهند یافت. این روند مبارزه توده ای ست که هرگونه توهمی را در هم خواهد شکست. هیچ فرد و گروه و مؤسسه و نهاد دولتی و بین المللی، آزادی را به مردم ایران اعطاء نخواهد کرد. تنها مبارزه همه جانبه توده های مردم و در رأس آنها طبقه کارگر ایران است که می تواند به سرکوب، دیکتاتوری، اختناق و بی حقوقی پایان بخشد و این مبارزه نمی تواند به سر انجام پیروزمندش برسد، مگر از طریق یک انقلاب و دگرگونی تمام نظم موجود.

مناسبات سیاسی و اقتصادی خود را پیوسته با رژیم حاکم بر ایران بهبود می بخشند و بدین طریق به تحکیم موقعیت رژیم و تداوم اختناق و سرکوب یاری می رسانند.

این واقعیتی عجیب و غریب نیست، بلکه از منطق نظام سرمایه داری و نهادهای بین المللی وابسته به آن ناشی می گردد. منافع اقتصادی بورژوازی و حفظ نظام سرمایه داری در همه حال اولویت دارند. همین منافع اقتصادی ست که دو آتشه ترین دولت هائی که خود را مدافع حقوق بشر می دانند، وامی دارد که خشن ترین دیکتاتوری های نظامی، مذهبی و فاشیستی را بر سر کار آورند و از آنها حمایت کنند. نمونه آن را در یک قرن گذشته به وفور دیده ایم. همین منافع اقتصادی ست که چنان جنگ های ویرانگری را بر می افروزد که میلیون ها انسان را قربانی و ثمرات کار و تلاش سال ها و حتی قرن ها انسان زحمتکش را نابود می سازند. همین منافع اقتصادی ست که ایجاب می کند "مدافعین حقوق بشر" در طول یک سال دهها هزار تن از مردم عراق را کشتار کنند.

بر مبنای همین واقعیت ها، می توان ارزش و اعتبار قطعنامه های نهادهای بین المللی بورژوازی را در مورد محکومیت جمهوری اسلامی دریافت. در نهایت چنین قطعنامه هاو بیانیه هائی، تحت شرایطی خاص می توانند تاثیر محدودی داشته باشند. فراتر از این، نباید انتظاری از آنها داشت و با چنین پنداشتی که گویا قدرت های جهانی و یا سازمان ملل متحد می توانند توده های مردم ایران را از شر رژیم جمهوری اسلامی نجات دهند و آزادی و دمکراسی را به ارمان آورند. این توهمی ست که طرفداران نظام سرمایه داری به آن دامن می زنند. در گذشته دیدیم که آنها در نخستین روزهای حمله نظامی امپریالیسم آمریکا به عراق، از حمله نظامی آمریکا به ایران و برافروخته شدن جنگ، با این توجیه دفاع می کردند که آمریکا می خواهد مردم منطقه از آزادی برخوردار باشند. هرچند که اکنون پس از برملا شده ماهیت اهداف امپریالیسم آمریکا و فجایعی که نیروهای نظامی آمریکا در عراق به بار آورده اند، دیگر علنا از برافروخته شدن جنگ دفاع نمی کنند. معهذاً بار هم به شکلی دیگر و این بار از طریق شعار رفراندوم می کوشند به این توهمات دامن بزنند. جای آمریکای "نجات بخش" را این بار سازمان ملل گرفته است که گویا قرار است، تحت نظارت آن، در ایران رفراندومی برگزار شود و مردم به آزادی دست یابند.

هدف آنها از طرح این شعار، منحرف ساختن مبارزات توده های مردم از مسیر مبارزه انقلابی برای برانداختن رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک دمکراسی واقعی در ایران است. این حقیقت را امروز هرکسی در ایران می داند که جمهوری اسلامی پیشیزی برای خواست و رأی توده مردم ارزش قائل نیست. اگر قرار می بود چنین رژیمی به رأی مردم گردن نهد و یا

با تشدید اقدامات سرکوبگرانه جمهوری اسلامی در طول چند ماه اخیر، بازداشت و محاکمه فعالین جنبش کارگری، سرکوب و کشتار کارگران خاتون آباد، دستگیری و اعمال فشار نسبت به سازمان دهندگان و رهبران جنبش اعتراضی معلمان، بازداشت، محکومیت و اخراج دانشجویان، ممنوعیت انتشار تعداد دیگری از روزنامه ها، بستن سایت ها و وب لاگ های خبری و بازداشت گردانندگان آنها، بازداشت مخالفین سیاسی و اعدام مبارزین در کردستان، صدور احکام اعدام و سنگسار برای زنان و دختران کم سن و سال به اتهام روابط نامشروع و ... اعتراض بین المللی به این اقدامات سرکوبگرانه افزایش یافته و سازمان های متعدد کارگری و نهادهای جهانی مدافع حقوق بشر مکرر جمهوری اسلامی را محکوم کرده اند.

چند روز پیش، سازمان عفو بین الملل با صدور بیانیه ای، اعتراض خود را نسبت به صدور احکام اعدام و سنگسار برای دو زن و یک مرد ابراز داشت و خواهان لغو این احکام گردید.

مجمع عمومی سازمان ملل نیز قطع نامه ای را که دولت کانادا مبتکر آن بود، در محکومیت جمهوری اسلامی تصویب نمود. در این قطعنامه، به تشدید خفقان و سرکوب در ایران، وخیم تر شدن آزادی بیان، نشر و مطبوعات، تشدید بازداشت و محکومیت مخالفان سیاسی، اعدام و سنگسار زنان و کودکان، افزایش فشار، تبعیض و نابرابری نسبت به زنان، اقلیت های مذهبی و غیره اشاره شده است و رژیم حاکم بر ایران، به عنوان رژیمی که ابتدائی ترین حقوق مدنی و سیاسی مردم را از آنها سلب نموده و اختناق و سرکوب را تشدید کرده است، مورد سرزنش و محکومیت قرار گرفته است.

سال های متمادی ست که در نتیجه فعالیت ها و افشاگری های مخالفین رژیم ضد انسانی حاکم بر ایران، سازمان های بین المللی مدافع حقوق بشر و نیز دیگر سازمان های بین المللی و برخی دولت ها، اقدامات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نموده و خواهان رعایت ضوابط بین المللی ناظر بر حقوق بشر در ایران شده اند. اما همانگونه که همگان آگاهند، جمهوری اسلامی به روال گذشته به اختناق و سرکوب و دیکتاتوری عریان ادامه داده، ابتدائی ترین حقوق مدنی و سیاسی مردم ایران را از آنها سلب نموده و در مقاطعی حتا اقدامات ارتجاعی خود را تشدید نموده است. معهذانه تنها واکنش بین المللی شدید تر و جدی تر در برابر رژیم صورت نگرفته، بلکه دولت هائی که ظاهرا خود را مدافع حقوق بشر می دانند، مناسبات خود را با رژیم بهبود بخشیده اند. بارزترین نمونه آن کشور های عضو اتحادیه اروپاست که از یک سو اطلاعات و بیانیه در مورد اقدامات سرکوبگرانه و نقض حقوق انسانی در ایران منتشر می نمایند و پای مصوبات نهادهای بین المللی را در محکومیت جمهوری اسلامی امضاء می کنند، اما در همان حال به خاطر منافع اقتصادی خود که چیزی فراتر از هرگونه حق و حقوق انسانی ست،

کمک مالی

هامبورگ

مازیار ۶۰ یورو

کانادا

ستاره ۴۰ دلار کانادا

از سایت سازمان دیدن کنید

<http://www.fedaian-minority.org>

رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت

ایران خودرو؛ الگو و اشتها

واسطه و پیمانکار است. پیمانکاران تابع هیچ قاعده و قانونی جز اراده خود نیستند و با اختیارات نامحدودی که دارند، هر طور که می خواهند با کارگران رفتار می کنند. قراردادهای موقت ۸۹ روزه یا کمتر را بر کارگران تحمیل می کنند، از حقوق و مزایای کارگر می زنند، دستمزد ناچیز را با تاخیر می پردازند و ابتدائی ترین حقوق کارگر را آشکار و صریح پیمان می کنند. کوچک ترین اعتراض کارگر را، با اخراج وی، بی آن که هیچ حق و حقوقی به وی تعلق بگیرد پاسخ می دهند و خلاصه بخش های مختلف ایران خودرو را عملاً به واحدهای شبه برده داری نیمه مدرنی در قرن بیست و یکم تبدیل ساخته اند و بر آن حکمروائی می کنند. مرگ تقی رضی لو در حین انجام کار، امید اولادی، صادق زاده خاتمبری، گلستانی، امینی، یوسفی، قاسمی، مویدی در ظرف کمتر از یک سال، تنها یک جنبه از نتایج این شرایط شاق و طاقت فرسا و بازتاب وضعیت به غایت ستمگرانه ای است که سرمایه داران ایران بر کارگران به طور کلی، و بالاخص بر کارگران ایران خود رو تحمیل نموده اند. در یک کلام، حکومت بلامنازع شرکت های پیمانکاری در ایران خودرو، تحمیل بی حقوقی و شرایط بسیار حاد و دشوار، زورگویی ها، سودورزی ها و استثمار بی حد و حصر که قربانی شدن پی در پی کارگران را به دنبال داشته است، ایران خود رو را در دو سه سال اخیر، بر سر زبان ها انداخته است و آن را به نامی آشنادر جنبش کارگری ایران تبدیل ساخته است.

اما این تنها یک جنبه و تنها یکی از دلایل اشتها ایران خودرو است. جنبه دیگر و بسیار مهم پرآوازه شدن ایران خودرو در جنبش کارگری ایران، که در عین حال بسیار کمتر به آن پرداخته شده است، جریان مبارزه و فعالیت مبارزاتی کارگران ایران خودرو و سازماندهی مبارزات شورانگیزی است که ما ناظر رشد روز افزون و تداوم آن بوده ایم. این مبارزات سازماندهی شده ی رو به رشد، که با رشد و تکامل آگاهی طبقاتی در میان کارگران نیز توأم است در عرصه تقابل و رویارویی کارگران با سرمایه داران، مکرر خود را بازتاب داده است. اعتصاب اخیر ایران خودرو و واکنش کارگران بخش های مختلف در قبال آن، بار دیگر نشان داد که درجه سازماندهی و آگاهی طبقاتی به میزان قابل توجه و غرور

انگیزی در میان این بخش از کارگران ارتقاء یافته است. نگاهی ولو مختصر به جریان اعتصاب کارگران ایران خودرو، بر این ادعا صحه می نهد. این اعتصاب را با هم مرور کنیم.

کارگران و کارکنان پیمانکاری اداره تحویل شرکت ایران خودرو، از روز ۱۸ آذر و در اعتراض به قراردادهای موقت دست از کار کشیدند. اعتصاب زمانی آغاز شد که کارفرما، مبلغی را که تحت عنوان "حق شکستن رکورد تولید" وعده داده بود هر چهارماه یکبار به کارگران بپردازد، در نظر داشت با اختلاف فاحشی میان کارگران قراردادی و کارگران رسمی تقسیم کند. این موضوع اعتراض شدید و اعتصاب کارگران را در پی داشت. اعتصابیون با صدور اطلاعیه ای، برحق برابر خود با کارگران رسمی تاکید کردند. آنها ضمن اشاره به کارکردن و زحمت کشیدن کارگران غیر رسمی، همدوش کارگران رسمی، خواستار آن شدند که کارگران موقت از دریافت مبلغ کمتر از کارگران رسمی امتناع ورزند. کارگران اعتصابی، ضمن تاکید بر اتحاد و همبستگی کارگران رسمی و غیر رسمی به عنوان شرط پیروزی کارگران، مطالبات خود را این طور بیان و فرمول بندی کردند "ما کارگران غیر رسمی چه قراردادی و چه پیمانکاری خواهان حقوق مساوی با کارگران رسمی هستیم. ما خواهان انحلال تمام شرکت های پیمانکاری هستیم. ما خواهان استخدام رسمی و لغو تمام قراردادهای موقت می باشیم. ما از کارگران رسمی می خواهیم در این راه از ما حمایت کنند. منافع ما کارگران جدا از هم نیست. تنها در اتحاد و همبستگی است که می توانیم پیروز شویم"

با صدور این اطلاعیه که به امضای جمعی از کارگران پیمانکاری و قراردادی شرکت های پیمانکاری خانه ما، پارس فیلتر، احیا گستر سبز، ایفا جی کار، تلفر، تکنیکان، سامان بهادر، سالار، پارس باکان، جی بی ار، مدیریت نوین، کوفرد، کلاله سبز، نیما، جلا نوین و کارگران دهها شرکت پیمان کاری دیگر رسیده بود، موج نارضایتی و اعتراض، به سرعت به بخش های دیگر و بیشتری از ایران خودرو گسترش یافت و اعلام حمایت و پشتیبانی اکثر کارگران پیمانکار راندر پی داشت. کارگران شرکت های پیمانکاری نوین پیمان، بهرمان کار،

در صفحه ۶



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه های خود را در دو نسخه جداگانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K. A. R آلمان
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

I. S. F دانمارک
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M. A. M سوئد
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry سوئیس
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A. A. A فرانسه
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris France

K.Z کانادا
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال کنید.

I. W. A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره های فکس ۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
سازمان فدائیان ۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱ (اقلیت)

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian-minority.org

تلفن روابط عمومی سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۴۹-۱۷۶-۲۸۰۲۰۸۹۷

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No. 444 december 2004

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی